

## مطالعه تطبیقی «حق مؤلف» و «حق نشر» در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا با نگاهی بر حقوق ایران

منصور امینی<sup>۱</sup>، صادق صیادی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۰ - پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۶، نوع مقاله: پژوهشی)

### چکیده

«حقوق پدیدآورنده اثر» از امتیازاتی است که مقررات کپی‌رایت به پدیدآورنده اختصاص می‌دهد تا از ارتباط پدیدآورندگان با آثارشان حفاظت شود و نیز این امکان را به آنان می‌دهد که بتوانند از نتیجه عملکرد خود به صورت مادی (اقتصادی) و معنوی (اخلاقی) بهره‌مند گردند. هدف اصلی این حقوق، صیانت از شخصیت، وقت، تلاش و خلاقیت پدیدآورنده است. وضعیت حقوق پدیدآورنده در دو نظام حقوقی «رومی-ژرمنی» و «کامن‌لا» متفاوت بوده و به ترتیب تحت عناوین «حق مؤلف» و «حق نشر» شناسایی شده است. یکی از مشکلات رایج در اغلب جوامع علمی، اشتباه گرفتن و یکسان فرض کردن دو عنوان مذکور است. این پژوهش ضمن تبیین سیستم‌های حقوقی حق مؤلف و حق نشر، با بررسی نظریات و مقررات کشورهای تابع نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا مشخص می‌کند که گرچه سیستم‌های مذکور در موضوعاتی دارای شباهت‌هایی‌اند، در موضوعاتی دیگر نسبت به یکدیگر متفاوت‌اند. رویکرد فکری حاکم بر سیستم حق مؤلف بر تقویت «مالکیت خصوصی» تأکید داشته، درحالی‌که سیستم حق نشر بر «مالکیت و منفعت عمومی» متمرکز شده است. هر دو سیستم در راستای حمایت از پدیدآورندگان و ناشران ایجاد شده‌اند؛ گرچه سیستم حق نشر در جلب رضایت مخاطبان خود ناموفق و دارای ضعف‌های مشهودی است، سیستم حق مؤلف کارآمدتر بوده و ابعاد مختلفی از حقوق کاربرانش را پوشش داده است و در نتیجه، کشورهای دارای سیستم حق نشر به قواعد سیستم حق مؤلف گرایش یافته‌اند. **کلیدواژه‌ها:** حق مؤلف، حق نشر، حقوق مالکیت فکری، حقوق تطبیقی، نظام حقوقی ایران.

۱. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول). (sadegh.sayyadi@gmail.com)

## **A Comparative Study of Authors' Right and Copyright in Civil Law and Common Law Legal Systems with a view at Iranian Law**

Mansour Amini<sup>1</sup>, Sadegh Sayyadi<sup>2</sup>

Received: 10/09/2020 - Accepted: 27/05/2021

### **Abstract**

“Intellectual Property Rights” is the privilege granted to the author by copyright regulations. The purpose of this privilege is to protect the creators’ relationship with their works and allow them to benefit from the outcome of their efforts both tangibly (economically) and intangibly (ethically). By the same token, the aim behind these rights is also to protect the personality, time, effort, and creativity of the creator. The status of such rights in the two legal systems “Civil Law” and “Common Law” is different and has been identified under the title “Authors’ Rights” and “Copyright”, respectively. One of the common problems in most scientific societies is the lack of distinction between the two and assuming them to be the same. While explaining the legal systems of Authors’ Rights and Copyright, this research work - by examining the theories and regulations of the countries subject to the Civil Law and Common Law legal systems - shows that although these systems have similarities in some matters, they differ from each other in essence. The intellectual approach to the Authors’ Rights emphasizes the strengthening of “Private Property” while Copyright focuses on “Public Property and Interest”. Both Authors’ Rights and Copyright systems have been developed to support creators and publishers, but in this case, the Copyright System has failed to satisfy its addressees due to certain obvious weaknesses. The Authors’ Rights System is, however, more efficient and covers various aspects of the rights of its users, and as a result, there has been a tendency in many countries with Copyright Systems to turn to the Authors’ Right System.

### **Keywords**

Authors’ Rights, Copyright, Intellectual Property Law, Comparative Law, Iranian Legal System

- 
1. Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
  2. MA. in Private Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (sadegh.sayyadi@gmail.com), (Corresponding Author).

## مقدمه

مالکیت فکری<sup>۱</sup> معمولاً به دو شاخه مالکیت صنعتی<sup>۲</sup> و حق نشر<sup>۳</sup> تقسیم می‌شود. مالکیت صنعتی اشکال مختلفی را در بر می‌گیرد، از جمله حق ثبت اختراعات، طراحی‌های صنعتی (تولیدات زیبایی‌شناسی مربوط به ظاهر محصولات صنعتی)، علائم تجاری، علائم خدماتی، طراحی مدار مجتمع یا آی‌سی<sup>۴</sup>، نام و نشان‌های تجاری، نشانه‌ها و علائم جغرافیایی و حمایت در برابر رقابت ناعادلانه. حق نشر نیز مربوط به خلاقیت‌های ادبی و هنری است، مانند کتاب، موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی، فیلم و آثار مبتنی بر فناوری (مانند برنامه‌های رایانه‌ای و بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی). در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی<sup>۵</sup>، «حق نشر» تحت عنوان «حق مؤلف» شناخته می‌شود (EUIPO, 2020: website). اگرچه حقوق بین‌الملل سبب ایجاد همگرایی در نظام‌های حقوقی مختلفی شده است، اما این تمایز نشانگر تفاوت تاریخی در تکامل این حقوق است که هنوز هم در بسیاری از نظام‌های کپی‌رایت بازتاب دارد.

حق مؤلف<sup>۶</sup> اصطلاحی است که اغلب در حوزه حقوق مالکیت فکری استفاده شده و به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری می‌پردازد. عنوان مذکور معمولاً در رابطه با قوانین کپی‌رایت در نظام‌های حقوقی کشورهای اتحادیه اروپا و رومی - ژرمنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معادل این حق در نظام حقوقی کامن‌لا<sup>۷</sup> همان‌طور که بیان شد، «حق نشر» است. حقوق مؤلفان از سوی کنوانسیون برن ۱۸۸۶ و سایر معاهدات مشابه برای پشتیبانی از آثار ادبی و هنری تحت حمایت بین‌المللی قرار گرفته است. همچنین واژه «مؤلف» به مفهوم وسیعی مورد استفاده قرار گرفته است و شامل هنرمندان،

1. intellectual property

2. industrial property

3. copyright

۴. این طراحی (IC)، زیرمجموعه‌ای از مهندسی الکترونیک است که شامل تکنیک‌های خاص طراحی مدارهای منطقی برای طراحی مدارهای مجتمع (IC) است. هر وسیله الکترونیکی که در زندگی روزمره به کار می‌رود، مانند تلفن‌های همراه و لپ‌تاپ‌ها، با برخی مدارهای ساده یا پیچیده تولید می‌شوند. مدارها را می‌توان براساس معیارهای مختلف به انواع گوناگونی طبقه‌بندی نمود؛ مانند: اتصالات: مدارهای سری و مدارهای موازی؛ اندازه و روند ساخت مدار: مدارهای مجتمع و مدارهای گسسته؛ و سیگنال مورد استفاده در مدار: مدارهای آنالوگ و مدارهای دیجیتال (Elprocus, 2021: website).

5. Romano-Germanic legal system /civil law legal system

6. author's right

7. common law legal system

آهنگسازان، مجسمه‌سازان و حتی معماران نیز می‌گردند؛ در مجموع، مؤلف به شخصی گفته می‌شود که خلاقیت آن به ایجاد اثر حفاظت شده، از طریق قانون، می‌انجامد؛ هر چند تعریف دقیق آن از کشور به کشور دیگر متفاوت است. حقوق مؤلفان شامل دو جزء مجزاست: حقوق مادی و حقوق معنوی. حقوق مادی یا حقوق اقتصادی اثر، حق مالکیتی است که از لحاظ مدت زمان محدود بوده، ممکن است پدیدآورنده، همانند سایر اموال مادی، آن را انتقال دهد یا حق بهره‌برداری از آن واگذار کند. علت ایجاد حقوق مادی، این موضوع است که مؤلف اثر یا دارنده آن بتواند نسبت به آفرینش خود از لحاظ اقتصادی کسب درآمد نماید و حق انحصاری مجوز بازنشر اثر را به هر طریقی دارا باشد (ماده ۹ کنوانسیون برن). حمایت از حقوق معنوی مؤلف بر این اساس استوار است که یک اثر خلاقانه به نوعی بیانگر شخصیت پدیدآورنده است. رژیم حقوق معنوی در بین کشورها بسیار متفاوت است، اما به طور معمول شامل حق شناخته شدن به عنوان مؤلف اثر و حق اعتراض به هر گونه تحریف یا نقص در کارهایی می‌شود که به اعتبار یا شهرت وی زیان‌زننده باشد (ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن). در بسیاری از کشورها، حقوق معنوی یک مؤلف دائمی است.

تاریخچه طولانی کپی‌رایت در طی دو قرن گذشته (Fisher, 2021: website)، فرسایش تدریجی سیستم حق نشر و تکامل و موفقیت سیستم حق مؤلف بوده است. از جمله مباحث اساسی مطرح درباره این دو سیستم، می‌توان به مبانی فکری حاکم بر آن‌ها، مفهوم اصالت، مدت حمایت قانونی، شناسایی قانونی پدیدآورنده، شرایط حمایت از اثر، حقوق اقتصادی، حقوق معنوی، جایگاه مجوز اجباری، استثنائات حقوق انحصاری پدیدآورنده، واگذاری اثر و حق اثر آینده اشاره نمود. سیستم حق مؤلف از دیرباز با سیستم حق نشر به‌ویژه در زمینه تولید آثار ادبی - هنری متفاوت و مخالف بوده است. هر دو سیستم به مبانی مختلفی متکی‌اند؛ سیستم حق مؤلف از پدیدآورنده به عنوان یک شخص حقیقی یاد می‌کند که دارای کلیه حقوق یک انسان است، در حالی که سیستم حق نشر از ابتدا پدیدآورنده را تولیدکننده در نظر گرفته، عمدتاً به حقوق مادی او توجه دارد.

اگرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های مختلف حق مؤلف و حق نشر منتشر شده، اما تاکنون تحقیقی جامع در رابطه با ماهیت، ساختار و قواعد حاکم بر این دو سیستم با رویکرد تطبیقی انجام نگرفته است. آنچه که مورد سؤال این تحقیق قرار گرفته این است که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین سیستم حق مؤلف با سیستم حق نشر وجود دارد؟

جایگاه این دو سیستم در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف به چه نحو است؟ این تفاوت‌ها و شباهت‌ها چه تأثیراتی بر حقوق پدیدآورندگان و ناشران گذاشته است؟ شرایط و وضعیت حاکم بر حقوق ایران چگونه است؟ فرضیه نوشتار حاضر بر این است که به نظر می‌رسد حق نشر با حق مؤلف با وجود تفاوت‌ها، شباهت‌هایی نیز داشته، کاملاً متفاوت از یکدیگر نیستند. با این حال، اگرچه هر دو سیستم حق مؤلف و حق نشر در راستای حمایت از پدیدآورندگان و ناشران ایجاد شده‌اند، سیستم حق مؤلف از حقوق پدیدآورندگان و ناشران به نحو کارآمدتری حمایت می‌کند. در هر صورت این پژوهش در هر یک از عناوین یازده گانه، سیستم‌های حق مؤلف و حق نشر را در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا مورد بررسی تطبیقی قرار داده، در پایان هر عنوان نیز به مطالعه مختصر وضعیت نظام حقوقی ایران در آن زمینه می‌پردازد.

### بررسی تطبیقی حق مؤلف و حق نشر

کشورهای مختلف در سرتاسر جهان به طور معمول یا از نظام حقوقی رومی - ژرمنی یا از کامن‌لا یا در برخی موارد ترکیبی از این دو تبعیت می‌کنند. «حق نشر» عمدتاً در کشورهای دارای «نظام حقوقی کامن‌لا» و «حق مؤلف» اغلب در کشورهای دارای «نظام حقوقی رومی - ژرمنی» حاکم‌اند (Lipszyc, n.d: 220). به طور کلی، در مورد حقوق نشر و حقوق مؤلف در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی - ژرمنی می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی قائل شد.

#### ۱. نظریات مبنایی

در رابطه با سیستم‌های حفاظت از حقوق کپی‌رایت ده نظریه برای توجیه ضرورت وجود آن‌ها مطرح شده است و اغلب قوانین موجود در کشورهای مختلف در حوزه کپی‌رایت مبتنی بر این نظریه‌ها هستند (Stewart, 1989: 3-12):

الف) اصل عدالت طبیعی<sup>۱</sup> که به موجب آن خالق اثر مستحق ثمرات کار خود است.  
ب) استدلال اقتصادی<sup>۲</sup> که در نتیجه ارائه یک انتظار منطقی برای جبران سرمایه‌گذاری‌ها و کسب سود معقول، انگیزه‌ای برای افرادی که آثار خلاقانه‌ای را در

1. principle of natural justice  
2. economic argument

دسترس عموم قرار می‌دهند فراهم شود.

(ج) استدلال فرهنگی<sup>۱</sup> که بیان می‌دارد براساس مصلحت عمومی می‌توان خلاقیت را با دیدگاه توسعه فرهنگ ملی تشویق کرد.

(د) استدلال اجتماعی<sup>۲</sup> که ادعا می‌کند همبستگی اجتماعی، به واسطه انتشار ایده‌ها و آثار به عموم و از طریق پیوندهای ایجادشده میان گروه‌های اجتماعی، نژادی و سنی رشد یافته، تسهیل می‌شود.

نیز در ادامه نظریات مذکور، امروزه نظریات جدیدی مطرح شده‌اند ( Du Bois, 2018: 7-30):

(ه) نظریه فایده‌گرایی<sup>۳</sup>: این واژه به معنای رفاه اجتماعی است و این نظریه بیان می‌کند که امور باید به نحوی انتخاب شوند و نهادها باید به شیوه‌ای طراحی شوند که سبب دستیابی و کسب بیشترین فایده (سود) برای افراد گردند.

(و) نظریه برنامه‌ریزی اجتماعی<sup>۴</sup>: در این نظریه حقوق مالکیت فکری، به طور خاص، بخشی از قوانین مالکیت عمومی در نظر گرفته شده‌اند که باید برای دستیابی به یک فرهنگ منصفانه و مطلوب مورد استفاده قرار گیرند.

(ز) نظریه اخلاق و پاداش<sup>۵</sup>: مفهوم اخلاق نیازمند مشارکت عادلانه و متناسب از جانب پدیدآورنده یا مبتکر است که چیزی را برای مطلوبیت و منفعت اجتماعی ایجاد کرده باشد. در این نظریه دارا شدن حقوق مالکیت فکری، «اظهار قدردانی و تشکر از پدیدآورنده در ایجاد آثاری است که یا بیش از انتظار جامعه بوده یا بیش از تکالیف و وظایفش بوده است».

(ح) نظریه شخصیت<sup>۶</sup>: شخصیت هر فردی در محیط کار، هنگام نوآفرینی و بیان و اجرای ایده‌ها و خلاقیت‌ها شکل می‌گیرد و نیز در ایجاد آثار و نتیجه‌هایی آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین شخصیت تا حد زیادی وابسته به حقوق مالکیت بوده و بر آن استوار است. از این رو، قانون هم از دارایی‌های ملموس و هم از آثار هنرمندانه و خلاقانه محافظت می‌کند.

1. cultural argument
2. social argument
3. utilitarian theory
4. social planning theory
5. ethic & reward theory
6. personhood theory

ط) نظریه شایستگی اخلاقی<sup>۱</sup>: ثمره اثر یک شخص صرفاً به او تعلق دارد. در حقوق مالکیت فکری نیز مبتکر به دلیل اثر و کار فکری و جسمی خود سزاوار حق است. این نظریه از عملکرد افراد به دلیل تلاش، توانایی، پایداری، پشتکار، زمان صرف شده، دشواری، خطر کار، رهبری و غیره حمایت می‌کند.

ی) نظریه مشوق<sup>۲</sup> (انگیزشی): این نظریه که براساس علاقه جامعه به آثار مالکیت فکری بنا نهاده شده است بیان می‌کند حمایت قانونی از آثار فکری انگیزه‌ای برای پدیدآورندگان جهت تولید آثار فکری بیشتر می‌گردد که در نهایت به نفع جامعه خواهد بود. بدون تردید سیستم حق نشر بر نظریه استدلال اقتصادی تأکید دارد. برای مثال، در سیستم حق نشر ایالات متحده آمریکا ایده غالب ترویج انتشار دانش برای افزایش رفاه عمومی است (قانون اساسی ایالات متحده، ماده اول، بخش ۸، بند ۸). این هدف باید از طریق یک انگیزه اقتصادی به شکل حق انحصاری تعیین شده برای زمان محدود به پدیدآورندگان تحقق یابد. هدف آن ایجاد انگیزه در فعالیت خلاقانه پدیدآورندگان و مخترعان با ارائه یک پاداش ویژه و اجازه دسترسی عمومی به محصولات نبوغ آنان پس از اتمام دوره محدود کنترل انحصاری است (Leaffer, 2005: 7). از سوی دیگر، در کشورهای دارای نظام حقوقی رومی - ژرمنی مانند فرانسه، هرچه نظام حقوق مدنی فرد محورتر باشد، اصول عدالت طبیعی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ یعنی پدیدآورندگان می‌توانند با اعمال حقوق اقتصادی و اخلاقی حاصل از کار خویش، مانع استفاده سایرین از اثرشان گردند. در این دیدگاه منصفانه، هدف سیستم حقوق مؤلف حمایت از دو منفعت کلیدی است که پدیدآورنده در اختیار دارد: از یک سو، منافع مالی و بهره‌برداری وی و از سوی دیگر منافع فکری و اخلاقی؛ بنابراین، صرفاً پدیدآورنده باید بتواند تصمیم بگیرد که آیا و چگونه اثر او منتشر خواهد شد تا بتواند از هرگونه ضرر یا تحریف آثار فکری خود جلوگیری کند (Piotraut, 2006: 555). با توجه به مباحث مورد نظر این پژوهش که بررسی خواهد شد، می‌توان گفت در گذشته، نظریه شخصیت در قوانین ایالات متحده آمریکا و انگلستان کمتر مورد توجه بوده، اما با اصلاحات صورت گرفته به این نظریه توجه بسیار جدی شده است؛ مانند تصویب قانون حقوق هنرمندان تجسمی<sup>۳</sup> آمریکا در ۱۹۹۰ میلادی و اولین قانون فدرالی که از حقوق معنوی پدیدآورنده حمایت می‌نمود. در مقابل،

1. moral desert theory

2. incentive theory

3. visual artists rights act

نظریه شخصیت در کشورهای رومی - رومی ژرمنی، همانند فرانسه و آلمان، به شدت مورد توجه بود و این موضوع در قوانین آن‌ها کاملاً مشهود است؛ به خصوص در زمینه حقوق معنوی که کشورهای تابع این نظام حقوقی امتیازات زیادی برای پدیدآورنده پیش‌بینی نموده‌اند.

بنابراین، می‌توان قائل بر این نظر بود که نظام حقوقی ایران که بر مبانی حقوق رومی - ژرمنی شکل گرفته است در حوزه کپی‌رایت بر مبنای نظریه اصل عدالت طبیعی بنا گردیده است؛ زیرا علاوه بر آنکه فردمحور بوده، به هدف اصلی این نظریه، یعنی توجه توأمان به منافع مالی اثر در کنار منافع معنوی، نگاه ویژه‌ای داشته است. همچنین در همین راستا براساس توضیحات ارائه شده مشخص می‌گردد که نظام حقوقی ایران نیز همانند سایر کشورهای رومی - ژرمنی به نظریه شخصیت توجه ویژه داشته است و از آثار پدیدآورنده نیز در صورت داشتن ویژگی‌های مقرر شده در قانون حمایت همه‌جانبه می‌نماید.

## ۲. اصالت اثر

هم حقوق مؤلف و هم حقوق نشر در قرن هجدهم برای پاسخ به مشکلات و مسائلی نظیر نابرابری در روابط بین پدیدآورندگان و ناشران و بین خود ناشران (در صورت شناسایی نکردن و حمایت از مالکیت فکری) و نیاز به ایجاد منبع درآمد برای پدیدآورندگان شکل گرفت (Vaughn, 2007: 120). هر دو سیستم حقوقی حق انحصاری را برای مدت محدودی به پدیدآورنده اعطا کرده‌اند که می‌تواند به شخص دیگری منتقل نماید (World Intellectual Property Organization, 2016: 19). این حق در ابتدا، حق نسخه‌برداری یا در غیر این صورت حق بازتولید اثر را شامل می‌شود. این ویژگی اساسی حقوق مؤلفان و بسیاری از قوانین مربوط به حق نشر است که از خلاقیت پدیدآورنده ناشی می‌شود نه صرف یک تلاش ساده یا سرمایه‌گذاری او؛ به همین دلیل، باید وی مورد حمایت قرار گیرد. از جمله شرایط لازم برای حمایت قانونی، اصالت داشتن آن اثر است. برای اصالت تعاریف متعددی ارائه شده است؛ برخی آن را وضعیت و کیفیت متفاوت و منحصر به فرد نسبت به هر چیز دیگری (Shareef, 2018: 1) تعریف کرده و برخی دیگر در تعریف آن گفته‌اند: «اصالت آن است که شخصیت پدیدآورنده بر اثر او سایه افکننده باشد» (سنهوری، بی تا: ۱۹۲)؛ اما شاید تعریفی که اصالت را بدون ابهام و اجمال معرفی نماید این باشد: «اثر توسط شخص پدیدآورنده خلق شده باشد. به عبارت دیگر اثر



باید زائیده تراوش‌های فکری پدیدآورنده باشد» (زرکلام، ۱۳۹۳: ۴۵). ممکن است انتظار رود که کشورهای رومی-ژرمنی، با تأکید بر ارتباط شخصی بین مؤلف و اثر، نسبت به کشورهای کامن‌لا، خواهان معیار بالاتری از اصالت هستند؛ اما استثنائاً در این موضوع وضعیت این دو نظام حقوقی متفاوت و بالعکس است که البته چندان چشمگیر نیست. کشورهای دارای سیستم حق نشر، نظریاتی همچون دکتترین عرق جبین<sup>۱</sup> و خلاقیت<sup>۲</sup> را ارائه کرده‌اند. در دکتترین عرق جبین انگلستان، پدیدآورنده با تلاش و کوشش ساده در هنگام خلق یک اثر، حقوق اثر را کسب می‌کند. این نظریه کاملاً بر مهارت و تلاش پدیدآورنده متکی است و نیاز به «خلاقیت» در یک اثر را تقریباً زائد جلوه می‌دهد. دکتترین عرق جبین اولین بار در انگلستان، در ۱۹۰۰، در پرونده<sup>۳</sup> والتر علیه لین<sup>۳</sup> مطرح شد که در آن یک سخنرانی شفاهی به صورت کلمه به کلمه در روزنامه<sup>۴</sup> تایمز چاپ شده بود و سؤال این بود که «آیا چنین خلق کلماتی باعث ایجاد حق نشر نسبت به اثر می‌شود؟ دادگاه اعلام کرد که این اثر دارای حق نشر است؛ زیرا تلاش، مهارت و زمان صرف‌شده برای اصالت کافی است» (Gendreau, 2009: 151-152). ایالات متحده امریکا اما حداقل خلاقیت را برای اصالت شرط می‌داند. در پرونده<sup>۴</sup> شرکت انتشارات فیست در مقابل شرکت خدمات تلفن روستایی،<sup>۴</sup> دادگاه عالی ایالات متحده کاملاً دکتترین عرق جبین را نفی کرده، معتقد بود که برای اصالت یک اثر، نه تنها اثر باید محصولی مستقل باشد، بلکه باید دارای حداقل «خلاقیت کوچکی» باشد. پیش از این پرونده، دادگاه‌ها در ایالات متحده نیز از دکتترین عرق جبین پیروی می‌نمودند، اما در ۱۹۹۱ میلادی در پرونده<sup>۴</sup> شرکت انتشارات فیست در مقابل شرکت خدمات تلفن روستایی دیوان عالی ایالات متحده امریکا تصمیمی بدین ترتیب اتخاذ نمود که صرف ایجاد دفترچه<sup>۴</sup> اطلاعات بدون حداقل خلاقیت اصیلی نمی‌تواند سبب حاکم شدن قواعد حفاظت حق نشر (کپی‌رایت) گردد. در این پرونده پس از آنکه شرکت خدمات تلفن روستایی از صدور مجوز استفاده از دفترچه<sup>۴</sup> اطلاعات فهرست شماره تلفن‌های روستا خودداری کرده بود، انتشارات فیست رونوشتی از این دفترچه<sup>۴</sup> اطلاعات تهیه کرده تا در اثر خود درج کند. شرکت خدمات تلفن روستایی نیز پس از این عمل انتشارات فیست اقدام به شکایت به دلیل نقض حق نشر خود کرد. دادگاه نیز

1. sweat of the brow doctrine

2. Modicum of creativity doctrine

3. Walter v Lane [1900] AC 539

4. Feist Pubs., Inc. v. Rural Tel. Svc. Co., Inc., 499 U.S. 340 (1991)

در حکم خود بیان داشت که اطلاعات مندرج در دفترچه شرکت خدمات تلفن روستایی قابل دفاع نبوده و بنابراین هیچ‌گونه تخلفی رخ نداده است (Lee, 2012: 922-923). بر طبق مقررات اغلب کشورهای رومی - ژرمنی، در صورتی اثری دارای اصالت و حقوق برای پدیدآورنده خواهد بود که اثر منعکس‌کننده شخصیت پدیدآورنده باشد. در نظام حقوقی فرانسه، قانون مالکیت فکری آن بدون ارائه تعریفی از اصالت تصریح کرده است که از حقوق پدیدآورندگان در کلیه آثار فکری، فارغ از نوع، شکل بیان، کیفیت یا هدف آن‌ها حمایت می‌کند (ماده ۱-۱۱۲L). رویه قضایی فرانسه انعکاس شخصیت پدیدآورنده در اثر را بیانگر اصالت آن اثر دانسته است؛ بنابراین اثری مورد حمایت قانون خواهد بود که نشان‌دهنده شخصیت پدیدآورنده باشد (Shuster, 1992: 53). در ماده ۱۷ دستورالعمل «هماهنگ‌سازی مدت حمایت از کپی‌رایت و برخی حقوق وابسته به آن»، در ۱۹۹۳ میلادی، اتحادیه اروپا نیز این دیدگاه حقوق فرانسه پذیرفته شده است؛ بنابراین در موضوع اصالت اثر نیز در میان این دو نظام و سیستم حقوقی تفاوت وجود دارد.

همانند سایر کشورها در نظام حقوقی ایران نیز اصالت تعریف نشده است، اما مفهوم آن تحت عنوان ابتکاری بودن اثر در مواد ۱ و ۲ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ مطرح شده است. منظور از اصیل بودن اثر این است که اثر باید زائیده تراوش‌های فکری پدیدآورنده باشد تا از حمایت قانونی و قضایی برخوردار شود (زرکلام، ۱۳۹۳: ۴۵). اصالت در اینجا، چنانکه حقوق‌دانان فرانسه گفته‌اند، دارای مفهوم شخصی است نه نوعی، یعنی آنچه شرط حمایت محسوب می‌شود این است که اثر مظهر شخصیت پدیدآورنده باشد؛ ولی تازگی آن از لحاظ موضوع لازم نیست (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۵۷-۲۵۸). به بیان بهتر، «ابتکاری بودن یک اثر مستقل از تازگی آن است» (گرباود، ۱۳۸۰: ۳۳).

### ۳. محدودیت مدت

از لحاظ تاریخی نظام‌های رومی - ژرمنی دوره‌های طولانی مدتی را برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان مقرر کرده‌اند. بیش از سه قرن مدت زمان این حمایت‌ها در نظام‌های کامن‌لا کوتاه‌تر از نظام‌های رومی - ژرمنی بوده است و از سال ۱۹۹۸ به بعد تقریباً مدت زمان حمایت‌ها یکسان شده است (Ochoa, 2010: 170-172). مکتب حقوق طبیعی<sup>۱</sup> با قیاس این موضوع با مالکیت دائمی نسبت به اموال متعارف، به وجود حقوق دائمی در این زمینه

معتقد است (Ricketson, 1992:756). با این حال تا به امروز دائمی بودن حقوق پدیدآورندگان آثار همچنان به عنوان آرمانی در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی باقی مانده است. برخلاف برخی از کتاب‌های درسی حقوقی فرانسه که از حقوق دائمی دفاع می‌کنند (Baldwin, 2016: 23)، در مقابل، قانون اساسی ایالات متحده دائمی بودن این دسته از حقوق را ممنوع کرده و حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار را به مدت زمان خاصی محدود نموده است (بند ۸ بخش ۸ اصل اول). در دیدگاه نظام‌های رومی - ژرمنی حقوق پدیدآورندگان کالایی کامل در نظر گرفته شده است و به همین دلیل به طولانی مدت بودن این حقوق معتقدند. حداکثر حمایت ممکن از حقوق پدیدآورندگان می‌تواند سبب افزایش توسعه فرهنگ جوامع گردد (Baldwin, 2016: 23)؛ اما در مقابل، نظام‌های حقوقی کامن‌لا نگران‌اند که نتیجه دیدگاه مذکور به این امر انجامد که قلمرو و مالکیت عمومی استفاده از این آثار محدود گردد. پس از آنکه در سال ۲۰۰۳ میلادی ایالات متحده آمریکا حمایت از حقوق پدیدآورندگان را از پنجاه سال بعد از مرگ همانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا به هفتاد سال افزایش داده بود، پرونده‌الدرد علیه اشکرافت<sup>۱</sup>، قانونی بودن افزایش و تمدید مدت زمان حمایت از آثار موجود را به چالش کشید. (Eldred v. Ashcroft, 537 U.S. 186, 2003) دیوان عالی چنین رأی داد که درمورد حق نشر موجود و آینده در برابر قانون تمدید مدت حق نشر<sup>۲</sup>، کنگره در حدود اختیاراتش عمل کرده و از محدودیت‌های قانونی تخلف نکرده است؛ زیرا تمدید مزبور که حاصل بازنگری در قانون است، مدت حمایت را نامحدود و در نتیجه غیر قانونی نساخته است.

جهانی شدن مقررات مالکیت فکری بسیاری از تفاوت‌های واقعی بین حقوق مؤلف و حق نشر را از بین برده است. در حال حاضر اغلب کشورها دارای دوره طولانی مدت هستند. از نظر تاریخی، کشورهای طرف‌دار حق مؤلف دوره‌های طولانی‌تری را ترجیح می‌دهند، در حالی که کشورهای طرف‌دار حق نشر در برابر آن‌ها مخالفت می‌کنند.

در حقوق ایران، مدت حمایت از حق پدیدآورنده پنجاه سال از تاریخ مرگ وی است (ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان) که در مقایسه با اغلب نظام‌های حقوقی دیگر (اتحادیه اروپا و آمریکا) که مدت ۷۰ سال را مقرر داشته‌اند، مدت کوتاه‌تری است.

1. Eldred v. Ashcroft  
2. copyright term extension act

## ۴. شناسایی پدیدآورنده

یکی از مسائلی حائز اهمیت این است که پدیدآورنده و خالق یک اثر کیست و چه حقوقی دارد؟ شخص حقوقی هم می‌تواند پدیدآورنده یک اثر باشد یا پدیدآورنده صرفاً شخص حقیقی است؟ هر دو قانون کپی‌رایت فرانسه و آلمان از «آثار فکری» حمایت می‌کنند. این امر سبب شده است که نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی، پیوند محکمی بین حقوق (حداقل در ابتدا) و شخص مؤلف برقرار کنند. برای مثال، حق مالکیت اولیه اثری برای یک شرکت (شخصیت حقوقی)، به شدت محدود یا حتی غیر ممکن است (ماده ۷ قانون کپی‌رایت و حقوق مربوط به ۱۹۶۵ آلمان)<sup>۱</sup>؛ درحالی‌که نظام‌های حقوقی کامن‌لا، به پذیرش حق مالکیت شرکت‌ها در زمینه حق نشر تمایل بیشتری دارند. به عبارت دیگر، نظام‌های حق نشر، همواره پدیدآورندگی و خلق اثر را به اشخاص حقوقی مرتبط دانسته، اثر سفارشی را به شخص حامی مالی نسبت می‌دهد و مسائل مربوط به آثار جمعی و مشارکتی را به وسیله قرارداد حل و فصل می‌کند (Ginsburg, 2003: 1088-1090). در ماده ۱۰۱ قانون کپی‌رایت سال ۱۹۷۶ میلادی ایالات متحده آمریکا، اصل اثر سفارشی<sup>۲</sup> به رسمیت شناخته شده است. اثر سفارشی اثری است که براساس قانون نشر، کارمند شرکتی یا شخصی در ازای اجرت آن را پدید می‌آورد و حقوق آن متعلق به شرکت یا سفارش‌دهنده است (United States Copyright Office, 2012: 1). البته گفتنی است که اصولاً حقوق یک اثر متعلق به مؤلف اثر است و مؤلف نیز همان پدیدآورنده اثر است، اما در این موقعیت، پدیدآورنده یا مؤلف (مالک حقوق مادی و معنوی) یک شخص واحد نیستند؛ بلکه کارمند (اجیر) پدیدآورنده و شرکت (مستأجر) مؤلف است. برای مثال، نگارش فیلم‌نامه به وسیله فیلم‌نامه‌نویس برای ساخت فیلم معینی اثر سفارشی است. به عبارت دیگر، در صورتی که شخصی برای پدیدآوردن اثری استخدام شده باشد، کارفرما (نه کارمند) مؤلف قانونی در نظر گرفته می‌شود؛ این ترتیب در حقوق ایالات متحده آمریکا جاری است و حق نشر شناخته می‌شود. قانون کپی‌رایت آمریکا و قانون مالکیت فکری فرانسه در برخی موضوعات، شامل مقررات مشابهی‌اند، از جمله: ۱) مالکیت کپی‌رایت اثری متمایز از مالکیت شیئی مادی است (ماده ۲۰۲ قانون کپی‌رایت آمریکا و ماده ۳-۱۱۱ قانون مالکیت فکری فرانسه) و ۲) اثر مشترک در ملکیت مشترک پدیدآورندگان همکار است (ماده ۲۰۱ قانون کپی‌رایت

1. Urheberrechtsgesetz

2. work for hire

امریکا و مواد L۱۱۱-۱ و L۱۱۳-۳ قانون مالکیت فکری فرانسه). با این حال، قانون فرانسه بیشتر از قانون امریکا، در مورد اثری که در برابر اجرت ساخته شده است، از پدیدآورندگان محافظت می‌کند. همان‌طور که آمد، براساس قانون کپی‌رایت امریکا، کارفرما یا فرد دیگری که اثر برای او آماده شده بود، پدیدآورنده در نظر گرفته می‌شود (ماده ۲۰۱ بند b)؛ ولی در فرانسه این موضوع برعکس است. یک اصل اساسی در قانون فرانسه این است که مالکیت کپی‌رایت به پدیدآورنده اثر، صرف‌نظر از قرارداد احتمالی استخدامی یا خدمات، تعلق دارد (ماده L۱۱۱-۱ بند ۳)؛ اما در واقع، طبق قوانین فعلی فرانسه استثنای متعددی بر این اصل اساسی وجود دارد که مالکیت به پدیدآورنده تعلق دارد. تحت این استثنائات، مالکیت اولیه به کارفرمایان یا طرف‌های سفارش‌دهنده اعطا می‌شود؛ با این که ممکن است آن‌ها اشخاص حقوقی باشند و نه اشخاص حقیقی (Piotraut, 2006: 577). از جمله استثنای این اصل در قانون مالکیت فکری ۱۹۹۲ فرانسه، در موضوع حقوق اقتصادی موجود در نرم‌افزار است که مالکیت آن به کارفرمای برنامه‌نویسان اعطا گردیده است (ماده L۱۱۳-۹).

نظام‌های رومی - ژرمنی، اصولاً پدیدآورندگان شخص حقیقی را و نه اشخاص حقوقی یا هر کسی دیگر غیر از پدیدآورنده واقعی را شناسایی کرده‌اند، و حقوق آلمان نیز وضعیت مشابهی نسبت به حقوق فرانسه داشته و استثنای نسبت به اصل مطرح شده مقرر نموده است. در آثار جمعی<sup>۱</sup> با مشارکت عده‌ای از افراد، پدیدآورندگی به شخصیت حقوقی تعلق خواهد داشت. با این حال، تعریف معیاری از اصطلاح «آثار جمعی» در اتحادیه اروپا وجود ندارد؛ بنابراین هر کشوری باید قوانینی را مقرر کند تا هنگامی که یک اثر تحت شرایطی به وسیله چندین پدیدآورنده ایجاد می‌شود بتوانند تصمیمی قانونی اتخاذ نمایند. به همین دلیل برخی کشورهای این سیستم اقدام به وضع قوانینی در این حوزه نموده‌اند (Angelopoulos, 2012: 571). حقوق آلمان آثار جمعی را مجموعه‌ای از آثار، داده‌ها یا سایر عناصر مستقل تعریف می‌کند، مشروط بر اینکه این مجموعه خود یک آفرینش فکری فردی باشد (بند ۱ ماده ۴ قانون کپی‌رایت و حقوق مربوط به ۱۹۶۵ آلمان). نظیر استثنای مطرح شده در حقوق آلمان، در قانون مالکیت فکری فرانسه نیز یافت می‌شود؛ بدین ترتیب که «اثر جمعی» به معنای اثری است که به ابتکار شخص حقیقی یا حقوقی به

1. collective work

وجود آمده و وی آن را با نام و مشخصات خود منتشر کرده است. در این اثر، سهم هر یک از پدیدآورندگان مختلف و شرکت کننده در تولید آن، در مجموع با هم ادغام می‌شود، بدون آنکه برای هر پدیدآورنده حق جداگانه‌ای در اثر ایجاد شده قائل شد (ماده ۲-۱۱۳ L بند ۳). در مجموع، اگرچه در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا از حقوق پدیدآورندگان در خلق یک اثر حمایت می‌گردد؛ اما این امر، شیوه و کیفیت یکسانی نداشته، تحت تأثیر مبانی حقوقی موجود در هر یک از نظام‌های حقوقی متفاوت است. رومی - ژرمنی‌ها، مانند اکثر موضوعات، از شخصیت پدیدآورنده حمایت قاطعی داشته، او را در هر صورت پدیدآورنده می‌شناسند؛ اما کامن‌لاها، همانند دیگر موضوعات، حمایت از پدیدآورنده را در اولویت خود قرار نمی‌دهند، بلکه اولویت را با شخصی می‌دانند که روی اثر سرمایه‌گذاری کرده است تا ضمن تقویت انگیزه‌اش همچنان به تولید آثار ادامه داده، به جامعه منفعت بیشتری برساند.

نظام حقوقی ایران در رابطه با اثر سفارشی در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان حکم صریحی بیان نکرده است. اما در ماده ۱۳ به طور ضمنی نهاد اثر سفارشی مورد پذیرش قرار گرفته و در این ماده، موقت بودن (۳۰ سال) حقوق مادی سفارش‌دهنده تصریح گردیده است؛ امری بدیع، ولی در رابطه با حقوق معنوی، کلیه حقوق به صورت دائمی به پدیدآورنده تعلق دارد.

##### ۵. تشریفات حمایت از اثر

رویکردهای هر نظام حقوقی در خصوص لزوم یا نبود لزوم، کاهش یا افزایش تشریفات برای حمایت قانونی از یک اثر متفاوت است. با توجه به ادعاهای پدیدآورندگان در مورد آثارشان، رویکرد نظام‌های رومی - ژرمنی به تشریفات سنتی که برای حمایت قانونی از آثار لازم است، کاهش این تشریفات است؛ تشریفاتمانند ثبت اثر، ضمیمه کردن اعلامیه، تودیع اثر، تجدید حقوق و موارد مشابه. به عبارت دیگر، حمایت قانونی به خلق و ایجاد اثری فعال می‌انجامد؛ زیرا این سؤال مطرح می‌شود که چرا پدیدآورندگان باید حقوق و ادعاهای خود را به دلیل نادیده گرفتن برخی از کاغذبازی‌های اداری از دست بدهند؟ برخی از این آثار، حتی بدون آنکه در قالب اثری موجودیت خارجی یافته باشد، مانند سخنرانی، بداهه‌پردازی و مانند آن، اغلب تحت پوشش قانون قرار می‌گیرند (Gendreau, 1994: 112-126). در موارد معدودی که نظام‌های رومی - ژرمنی به تشریفات

نیاز دارند، غفلت از آن‌ها معمولاً صرفاً سبب به تأخیر افتادن یا محدود شدن حمایت از آثار می‌شود (Baldwin, 2016: 24).

از دیدگاه نظام‌های رومی - ژرمنی، تشریفات اداری از موانع ساختگی بر سر راه حقوق مالکیت طبیعی پدید آورنده است؛ اما در دیدگاه نظام‌های کامن‌لا، هدف از تشریفات این بود که اطمینان حاصل شود فقط آن دسته از آثاری که ارزش تحمل سختی‌ها و موانع را دارند، در اختیار و مالکیت افراد خصوصی قرار گیرند و خارج از مالکیت عمومی از آن‌ها حفاظت شود. تضاد بین این دو سیستم را می‌توان چنین خلاصه کرد: در ساختار نظام حق مؤلف، آثار به عنوان مالکیت خصوصی متولد می‌شوند؛ اما در نظام حق نشر، آن‌ها به‌طور خودکار به حوزه مالکیت عمومی تعلق دارند، مگر اینکه پدید آورنده برای ثبت آن‌ها بسیار تلاش کرده باشد. به عبارت دقیق‌تر، بدون ثبت هیچ حقی در کار نیست (Ginsburg, 2006: 9)؛ از این رو، وجود تشریفات در دیدگاه حق نشر بر این موضوع تأکید دارد که مالکیت معنوی مبتنی بر مبنای حقوق طبیعی نبوده، بلکه مخلوق قانون است. در این مورد، این دو رویکرد به یکدیگر نزدیک‌اند، ولی خصومت و تفاوت کاملاً محو نشده است. اگرچه ایالات متحده آمریکا تشریفات را از سال ۱۹۸۸ به دلیل پیوستن به کنوانسیون برن حذف کرده است و نیز برخی از منتقدان در آن از فقدان حذف تشریفات ابراز تأسف کرده‌اند؛ با استفاده از قانون اساسی سعی دارند آن را به چالش بکشند، با این استدلال که حمایت خودکار از آثار مانع پیشرفت علم و هنرهای ارزشمند می‌گردد (Oliar, 2006: 1832-1833).

نظام حقوقی ایران و به تبع آن مقررات کپی‌رایت کشور مبتنی بر مبانی حقوق رومی - ژرمنی شکل گرفته (حسن‌پور، ۱۳۸۴: ۳۵۲) و تمرکز آن به حمایت از پدیدآورنده (نه اثر) معطوف است و حقوق معنوی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ بدین ترتیب که حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری مشمول هیچ‌گونه تشریفات نگردیده است. در خصوص حقوق مادی پدیدآورنده، تشریفات ویژه‌ای وضع گردیده است (اندرز و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳)، به طوری که این دسته از آثار باید دارای چنین شرایط خاصی باشند: (۱) شکل و صورت خارجی داشتن اثر؛ (۲) انتشار اثر برای اولین بار، (۳) اصالت اثر و (۴) ثبت آثار. بنابراین، در صورتی که اثری فاقد این شروط باشد مورد حمایت قانون قرار نخواهد گرفت.

## ۶. حقوق اقتصادی

همان‌طور که گفته شد در نظام حقوقی کامن‌لا، کارفرما مالک حق نشر اثر ایجاد شده به وسیله کارکنان است؛ اما در نظام حقوقی رومی - ژرمنی، کارفرما از حق انحصاری پروانه و جواز برای حقوق مادی (اقتصادی) اثر ایجاد شده به وسیله کارکنان برخوردار است. در کلیه نظام‌های حقوقی، حقوق اقتصادی به دنبال حفاظت از منافع مادی و مالی پدیدآورنده است. در پرتو این هدف، تعدادی حقوق انحصاری برای مدتی محدود به پدیدآورنده اعطا می‌گردد. کشورهای رومی - ژرمنی و کامن‌لا، از جمله فرانسه و آمریکا، شامل مقرراتی یکسان در حوزه بهره‌برداری اقتصادی از آثار هستند (ماده ۲، ۴، ۶ - L1۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه، ماده ۱۰۶ قانون کپی‌رایت ایالات متحده). این حقوق عبارت‌اند از: حق بازتولید و تکثیر، اقتباس، توزیع، اجرای عمومی و نمایش عمومی. در این زمینه، تفاوت‌ها بین این دو سیستم ناچیز است. اما به نظر می‌رسد که قوانین آمریکا و فرانسه، این دو نظام شاخص حقوق رومی - ژرمنی و کامن‌لا، در رابطه با محدودیت‌های حقوق اقتصادی پدیدآورندگان، دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند. حقوق مالکیت فکری فرانسه مشابه حقوق مالکیت فکری سایر کشورهای اروپایی است. دستورالعمل جامعه اطلاعاتی سال ۲۰۰۱، دستورالعمل اتحادیه اروپاست که برای اجرای معاهده کپی‌رایت WIPO و هماهنگ‌سازی جنبه‌های مختلف قانون کپی‌رایت در سراسر اروپا، مانند موارد استثنای کپی‌رایت، تصویب شد (Council of the European Union, 2000: 6-7). در ماده ۵ این دستورالعمل، موارد استثنا و محدودکننده در مورد حقوق مالکان کپی‌رایت که کشورهای عضو می‌توانند آن‌ها را اعمال کنند، ذکر شده است. اصولاً، کشورهای عضو فقط می‌توانند استثنای را که در لیست (فهرست) توافق شده است، اعمال کنند؛ اگرچه سایر موارد استثنایی که سابقاً تا ۲۰۰۱/۰۶/۲۲ در قوانین ملی وجود داشت، می‌تواند به قوت خود باقی بمانند (ماده ۵ بند ۳ ردیف O).

قانون ایالات متحده نیز دارای دو دسته استثنا خاص در زمینه قواعد حمایتی کپی‌رایت است: (۱) استثنای موجود در مواد ۱۰۸ و ۱۱۰ قانون کپی‌رایت و (۲) استفاده منصفانه مقرر شده در ماده ۱۰۷. این موارد در بخش ۹ این مقاله تحت عنوان استثنا در حقوق انحصاری پدیدآورنده بیشتر بررسی خواهند شد. در نتیجه، به نظر می‌رسد که مصرف‌کنندگان و کاربران در حقوق آمریکا از مزایای بیشتری در این زمینه برخوردار باشند و تحت قوانین آمریکا، کمتر از قوانین فرانسه، از سوی حقوق اقتصادی



پدیدآورندگان محدود شوند. با این حال، پایه‌های فکری این معافیت‌ها کاملاً براساس اهداف اخلاقی و منصفانه هستند که در راستای منافع اجتماعی یا خیریه شکل گرفته‌اند (Piotraut, 2006: 592). به طور کلی می‌توان قائل بر این نظر بود که در نظام‌های حقوقی کامن‌لا منافع مادی پدیدآورنده بیشتر تأمین می‌گردد؛ ولی در نظام رومی - ژرمنی‌ها، با وارد نمودن استثنای کثیری به حقوق پدیدآورنده، منافع او محدود می‌شود. در نظام حقوقی ایران، حقوق مادی پدیدآورنده، حق انحصاری شامل حق نشر، تکثیر، ترجمه، اقتباس، پاداش، جایزه و سرانجام حق عرضه و اجراست (مواد ۳، ۵، ۱۳ و ۱۸ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸). اما، این حقوق دارای استثنایی است، البته نه به نحوی که منافع مادی پدیدآورنده را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد؛ در ادامه، در مورد بعد اشاره می‌شود.

#### ۷. حقوق معنوی

نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی در دفاع از حقوق معنوی (اخلاقی) مؤلفان بیان می‌دارند که خلاقیت آنان، استحقاق محافظت - به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت آن‌ها - را دارد. حقوق معنوی اعطاشده به نویسندگان شامل: حق افشای اثر (یعنی حق پدیدآورنده نسبت به انتشار دادن یا انتشار ندادن اثر خود)، حق انتساب اثر (یعنی حق ادعا یا رد کردن ارتباط اثر با پدیدآورنده) و حق یکپارچگی اثر (یعنی حق ممانعت پدیدآورنده از تحریف، تغییر و تصرف اثر خود) است (McJohn, 2006: 261)؛ با این حال، در ایالات متحده، نویسندگان از حقوق معنوی محدودی در حق انتساب اثر و حق یکپارچگی اثر دارند، زیرا چنین حقوقی فقط برای گروهی محدود از آثار هنری تجسمی تعریف شده‌اند (United States Copyright Office, 2019: 59). حمایت از شخصیت در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، مدت‌هاست که از مقررات حق نشر جدا بوده و در عنوان اضرار و خطاهای مدنی (شبه جرم)، مانند هتک حرمت، توهین و افترا تجسم یافته است (Stallard, 1998: 567)؛ اما امروزه برخی از کشورهای تابع این نظام حقوقی اقدام به تغییر رویکرد خویش کرده و حقوق معنوی پدیدآورندگان را بهبود و توسعه بخشیده‌اند. از جمله این کشورها انگلستان است که در قانون کپی‌رایت، طراحی و ثبت اختراعات<sup>۱</sup> ۱۹۸۸ برای اولین بار یک رژیم خاص از حقوق معنوی را ایجاد می‌کند؛ حقوق پدیدآورنده بر طبق این قانون عبارت‌اند از:

1. copyright, designs and patents act

حق شناسایی به عنوان نویسنده یا کارگردان، حقی که باید در زمان انتشار ادعا شود (مواد ۷۷-۷۹)، حق اعتراض به انتساب کذب اثر (ماده ۸۴)، حق حریم خصوصی برخی از عکس‌ها و فیلم‌ها (ماده ۸۵) و همچنین حقوق معنوی یک نویسنده نمی‌تواند به شخص دیگری منتقل شود (ماده ۹۴) و البته هنگام فوت وی به ورثه او منتقل خواهد شد (ماده ۹۵). حق اعتراض نسبت به انتساب کذب اثر، بیست سال پس از مرگ پدیدآورنده همچنان باقی است و سایر حقوق معنوی برای مدت زمانی مانند سایر حقوق نشر در اثر ماندگار است (ماده ۸۶).

حقوق معنوی قائم به شخص است و نمی‌توان آن‌ها را انتقال داد؛ با این حال، در بیشتر نظام‌های حقوقی کامن‌لا، می‌توان از حقوق معنوی چشم‌پوشی کرد. از این رو، رویه معمول چنین است که در موافقت‌نامه‌های انتقال یا صدور مجوز تحت مقررات ایالات متحده، انگلستان یا ایرلند، پدیدآورندگان از حقوق معنوی خود چشم‌پوشی می‌کنند. به عنوان یک قاعده کلی، چشم‌پوشی از حقوق معنوی صرفاً در صورت کتبی بودن معتبر است (Vaver, 1999: 270). چنین رویکردی با نظریه حق نشر در این کشورها سازگار است. در مقابل، در کشورهای رومی - ژرمنی، از جمله فرانسه، آلمان، ژاپن و ایران چشم‌پوشی کلی از حقوق معنوی اصولاً قابل اجرا نیست، زیرا این امر معادل انتقال و اگذاری حقوق معنوی است که مطابق با رویکرد سنتی حق نشر در نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی ممنوع است (Hoppe-Jänisch, 2015: 9). به موجب این رویکرد آثار پدیدآورندگان، محصول شخصیت آنان تلقی شده، و از آن‌ها محافظت می‌شود؛ بنابراین پدیدآورندگان باید در برابر هرگونه تغییر و تحریف در آثار خود مورد حمایت قرار گیرند. پدیدآورنده فقط می‌تواند کتباً متعهد شود که از حقوق معنوی خود، به طور جزئی، در مورد شخص یا نهادی خاص استفاده نکند، مشروط بر اینکه در قرارداد شرایط این امر را پیش‌بینی نمایند.

حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران تعریف نشده است، اما با استفاده از مصادیق آن نظیر حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده، حق افشای اثر و حق احترام به اثر (مواد ۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹) می‌توان آن را بدین ترتیب تعریف نمود: «حقوق معنوی، حق دخل و تصرف مؤلف در حقوق خویش می‌باشد و قابل انتقال به دیگری نیست.» (عباسی و نوده، ۱۳۹۳: ۲) به عبارت دیگر «حقوق معنوی قابل تقویم به پول نیستند. به تعبیری حقوق معنوی از منافع مادی آفریننده پدیده فکری حمایت نمی‌کند، بلکه صرفاً از شخصیت وی که در قالب یک

اثر تجلی یافته حمایت می‌کند» (زرکلام، ۱۳۹۳: ۱۰۸). تعریف نخستین را می‌توان تحت تأثیر نظریه شایستگی اخلاقی تلقی نمود که اثر را به عنوان ثمرهٔ یک شخص که تلاش نموده مطابق قوانین و مقررات رفتار نماید به او متعلق دانسته است. تعریف دوم نیز براساس نظریهٔ شخصیت است؛ زیرا در تعریف مذکور شخصیت پدیدآورنده که در اثر تبلور یافته مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است و منافع مادی تأثیری در حمایت مقنن از حقوق معنوی پدیدآورنده ندارد.

#### ۸. مجوز اجباری

مجوز اجباری (که گاه آن را پاداش منصفانه می‌شناسند) اجازه می‌دهد تا هنگامی که برخی از معیارهای خاص (معمولاً پرداخت حق امتیاز) رعایت شوند، آثار بدون اجازه پدیدآورنده تولید و تکثیر گردند. در دسترس قرار دادن این دسته از آثار بدون ملاحظهٔ حقوق پدیدآورنده و جهت اولویت بخشیدن به منافع عمومی صورت گرفته، صرفاً در قبال بهره‌برداری از این آثار مبلغی مشخص به پدیدآورنده پرداخت می‌گردد. مجوز اجباری با مجوز قانونی متفاوت است. در مجوز قانونی، نرخ براساس قانون تعیین می‌شود، درحالی‌که در مجوز اجباری، نرخ باید در دادگاه مذاکره یا تصمیم‌گیری شود (Caddick & Harbottle, 2019: 1589). این دیدگاه با رویکرد نظام‌های کامن‌لا نسبت به رویکرد نظام‌های رومی - ژرمنی بیشتر همخوانی دارد و پذیرفته هم شده است (François, 1991: 26-16)؛ زیرا در این صورت حوزهٔ منفعت عمومی و اقتصادی که همواره مد نظر سیستم حق نشر است تأمین می‌گردد.

اعطای مجوز اجباری، اصل مهم و اساسی نظام حقوقی رومی - ژرمنی را در رابطه با حقوق انحصاری پدیدآورنده نقض کرده است، زیرا در واقع نقض و تخلف را در عوض پرداخت خودکار جریمه‌ها قانونی کرده است (Baldwin, 2016: 28). همچنین از مجوز اجباری در مواردی نیز می‌توان بهره‌برد کرد که شخص پدیدآورنده عرضهٔ اثر خویش را متوقف کرده، از آن اجتناب می‌کند. در این وضعیت اکثر کشورها مجوز اجباری بهره‌برداری از اثر را برخلاف میل دارندهٔ حق صادر می‌نمایند (Reichman, 2010: 5). مادهٔ (۱) ۵۵ قانون ثبت اختراعات<sup>۱</sup> ۱۹۷۷ انگلستان تحت شرایطی اجازه داده است هر بخش دولتی و یا هر شخصی که کتباً از طرف یک اداره دولتی مجاز باشد، می‌تواند مطابق قواعد

1. the patents act

این قانون، در رابطه با اختراع ثبت شده بدون موافقت صاحب حق اختراع از آن استفاده نماید. همچنین در ماده ۱۱۵ قانون کپی‌رایت ۱۹۷۶ ایالات متحده امریکا مقرر شده مشابهی در حوزه‌ای مشخص از موسیقی پیش‌بینی شده است. در کشورهای رومی - ژرمنی نیز نهاد مجوز اجباری پذیرفته شده است. در تاریخ ۱ مه ۲۰۱۲، «اقدامات برای اعطای مجوز اجباری اجرای حق امتیاز ثبت شده در چین» به مرحله اجرا درآمد. این اقدامات به اداره ملی مالکیت فکری جمهوری خلق چین (CNIPA)<sup>۱</sup> اجازه داد مجوزهای لازم را برای تولید نسخه‌های عمومی داروهای مارک‌دار اعطا کند (Zhang, 2013: 41-42). براساس معیارها و اصلاحات جدید قانون ثبت اختراعات ۱۹۸۵ جمهوری خلق چین، CNIPA ممکن است با در نظر گرفتن سه عامل، مجوز اجباری برای اختراعات ثبت شده یا خدمات سودمند عمومی ثبت شده (نه طراحی ثبت شده) را به یک نهاد یا فرد واجد شرایط با در نظر گرفتن سه عامل صادر کند: ۱) استفاده نکردن از حق امتیاز انحصاری یا سوء استفاده از آن در نقض قانون ضد انحصار (ماده ۴۸؛ ۲) رفاه عمومی، از جمله «وضعیت اضطراری ملی یا فوق‌العاده» و «منافع عمومی» (ماده ۴۹) و ۳) مجوز متقابل برای بهره‌برداری از یک اختراع بهبود یافته (ماده ۵۰). در صورت اعطای مجوز اجباری، طرفین می‌توانند درباره حق الزحمه مذاکره کنند یا از CNIPA در مورد چنین هزینه‌هایی درخواست داوری کنند (ماده ۵۴). در حقوق آلمان نیز در مواد ۲۴ و ۸۵a قانون ثبت اختراع ۱۹۸۰ مقرراتی مشابه مقررات چین جهت اعطای مجوز اجباری وضع گردیده است. اگر متقاضی مجوز در یک دوره زمانی معقول، تلاش ناموفقی برای کسب اجازه از مالک امتیاز برای استفاده از آن در شرایط و ضوابط تجاری معقول داشته باشد و همچنین مجوز استفاده از حق ثبت اختراع برای منافع عمومی ضروری باشد؛ در این موارد آلمان مجوزهای اجباری را مجاز می‌داند و آن را اعطا می‌کند. در فرانسه نیز مجوز اجباری تحت عناوین مختلفی پیش‌بینی شده است. یکی از این عناوین در حوزه سلامت عمومی است و دیگر حوزه‌ها، حوزه توسعه اقتصادی و حوزه دفاع ملی. در حوزه سلامت عمومی، برای مثال از آنجا که بیماری همه‌گیر کووید ۱۹<sup>۲</sup> بدون شک «یک مورد اضطراری شدید» است می‌توان برای بهره‌برداری از داروها و واکسن‌ها اقدام به اعطا یا کسب مجوز اجباری نمود. در فرانسه قانون اضطراری شماره ۲۰۲۰-۲۹۰<sup>۳</sup> مصوب ۲۳ مارس ۲۰۲۰ میلادی برای مقابله با بیماری همه‌گیر کووید ۱۹،

1. China National Intellectual Property Administration  
 2. Covid-19  
 3. emergency act No. 2020-290

ماده جدید ۱۵-۱۳۱۳ L را به قانون سلامت عمومی<sup>۱</sup> الحاق نمود. این ماده به نخست وزیر اجازه می دهد، در صورت اعلام وضعیت اضطراری سلامتی و تنها به منظور تضمین سلامت عمومی: دستور تقاضای کلیه کالا و خدمات لازم برای مبارزه با فاجعه سلامتی کووید ۱۹ را نماید (بند ۱ مورد ۷) و همچنین کلیه اقدامات لازم را برای در دسترس قرار دادن داروهای مناسب برای ریشه کنی فاجعه سلامتی و بهداشتی برای بیماران انجام دهد (بند ۱ مورد ۹). این اقدامات باید «کاملاً متناسب با خطرات سلامتی و متناسب با شرایط زمان و مکان باشند» و «باید در صورت نبود نیاز بدون تأخیر فوراً خاتمه یابند» (بند ۳). مسلماً به موجب هر دو این مقررات به دولت فرانسه اجازه داده خواهد شد در موارد اضطراری سلامتی مجوزهای اجباری تولید داروها و واکسن هایی که اثر بخشی آنها اثبات شده است به نهادهای واجد شرایط اعطا نماید (Jenkins & Straughan, 2020: website). اخیراً، کشورهای در حال توسعه از مجوزهای اجباری برای دستیابی به شرایط بهتر در موقعیت های خاصی همانند مجوزهای اجباری اختراعات دارویی حمایت کرده و در قوانین خود در این راستا تجدیدنظر نموده اند (Rathod, 2017: 2). در مجموع باید گفت نهاد مجوز اجباری از آنجا که در راستای منافع عمومی است به ساختار و مبانی حقوقی کشورهای کامن لا نزدیک تر بوده و با آنها هماهنگی بیشتری داشته است؛ اما در کشورهای رومی - ژرمنی نیز با توجه به فلسفه تأسیس آن، گرایش به آن شکل گرفته است و قوانین در حال تغییر به پذیرش چنین نهادی هستند.

در نظام حقوقی ایران در موضوع اعطای مجوز اجباری جهت بهره برداری از آثار اشخاص، مقررۀ صریحی در این زمینه وضع نگردیده است، به استثنای ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۰۷ که مقرر می دارد: دولت یا شخص مجاز از طرف آن، با رعایت ترتیباتی، می تواند از اختراع بهره برداری نمایند. اما در این رابطه باید به دو نکته اشاره نمود: (۱) ماده مذکور امری استثنایی است که سبب می گردد به تجویز قانون گذار در موارد مشخص در اموال اشخاص بدون کسب اجازه از آنها مداخله نمود؛ از این رو امکان وحدت ملاک گرفتن از این ماده ممکن نیست، زیرا این موضوع به صورت استثنایی در حوزه اختراعات مطرح شده است و نمی توان استثنا را توسعه و به دیگر حوزه ها از جمله حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تسری داد و (۲) با توجه به انقضای مهلت اجرای آزمایشی قانون مذکور در تاریخ ۱۳۹۸/۱/۲۸ و تمدید

نکردن آن از سوی مجلس شورای اسلامی، در حال حاضر این قانون منسوخ شده است و در زمینه ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجارتي فاقد قانون هستیم. بدین ترتیب، به طور کلی، نهادی تحت عنوان اعطای مجوز اجباری در نظام حقوقی ایران نداریم؛ اما برخی معتقدند (صادقی و خاکپور، ۱۳۸۶: ۱۶۲) با استناد به اصل ۴۰ قانون اساسی (منع سوء استفاده از حق) و همچنین هنگامی که منفعت عمومی ایجاب می‌کند (اقتضای منافع عمومی) می‌توان از این طرق مبنایی را برای اعطای مجوز اجباری قائل شد. البته نمی‌توان این نظریات را پذیرفت؛ از آنجا که از تصویب اصل ۴۰ قانون اساسی مدت‌ها گذشته و هیچ دادگاهی تا به امروز به استناد این اصل اقدام به صدور چنین حکمی ننموده است و علاوه بر این با توجه به رویه قضایی کشور نیز صدور چنین حکمی ضعیف (نه محال) است. در رابطه با نظریه اقتضای منافع عمومی نیز از آنجا که این دیدگاه فاقد مستند قانونی است، لذا در این مورد نمی‌توانیم قائل به امکان صدور مجوز اجباری باشیم.

#### ۹. استثنا در حقوق انحصاری پدیدآورنده

همان‌طور که انتظار داریم، کشورهای کامن‌لا، اصولاً استثناهای وسیعی را در مورد حقوق پدیدآورنده پذیرفته‌اند و به دیگر پدیدآورندگان، مترجمان و مخاطبان اجازه داده‌اند که از آثار خلق شده بدون اجازه دارنده حق، استفاده کنند. استفاده منصفانه یکی از محدودیت‌هایی است که برای کپی‌رایت در نظر گرفته شده است تا منافع دارندگان حق نشر را با منافع عمومی در توزیع و استفاده گسترده‌تر از آثار خلاقانه متعادل سازد (Aufderheide & Jaszi, 2011: 10-11). نظریه استفاده منصفانه در امریکا (ماده ۱۰۷ قانون کپی‌رایت سال ۱۹۷۶)، استفاده از آثار حمایت‌شده، بدون اجازه یا پرداخت عوض را برای اهداف گسترده و مفید به حال اجتماع، مجاز شمرده است. به عنوان ساختار اصلی، قانون ایالات متحده دارای معافیت‌های ویژه‌ای برای حق نشر است. برای مثال، مصادیقی که در مواد ۱۰۸ و ۱۱۰ قانون کپی‌رایت قرار دارند، از جمله این مواردند. این نظریه در نظام‌های رومی-ژرمنی، برخلاف نظام‌های کامن‌لا، جایگاهی ندارد. برای مثال، می‌توان به کشورهایی مانند آلمان و فرانسه اشاره کرد که طبق قوانین آن‌ها نهادی به نام استفاده منصفانه وجود ندارد، اما قانون آن‌ها از راه‌های دیگر همان ارزش‌هایی را که استفاده منصفانه سعی در دستیابی به آن‌ها دارد، محقق می‌کند. به عبارت دیگر: با وجود برخی تفاوت‌ها در مفهوم، مقررات وضع شده در قوانین حقوق آلمان و فرانسه ممکن است به

نتایجی مشابه منجر شود که تحت دکتترین استفاده منصفانه در حقوق امریکا به دست می‌آید (Leaffer, 2001: 16-18). در قوانین کپی‌رایت کشورهای آلمان و فرانسه می‌توان موارد استثنایی یافت که پدیدآورنده با محدودیت حقوق اثر خود روبه‌رو است؛ یعنی قانون کپی‌رایت کشورهای مذکور شامل چندین ماده خاص است که دامنه حقوق پدیدآورنده را در مورد استفاده‌های مجاز از اثر خودش محدود می‌کند. از جمله این مصادیق می‌توان به مواد ۴۶، ۵۱، ۵۳ و ۵۲ قانون کپی‌رایت و حقوق مربوط به ۱۹۶۵ آلمان و ماده ۱۲۲-۵ قانون مالکیت فکری ۱۹۹۲ فرانسه اشاره کرد. ماده ۱۲۲-۵ L موارد استثنایی را بدین ترتیب مقرر نموده است: هنگامی که اثری منتشر شد، پدیدآورنده نمی‌تواند از این موارد جلوگیری کند: (۱) اجرای خصوصی خانوادگی، (۲) کپی برای استفاده شخصی و خصوصی از آن - این ماده در مورد آثار هنری، برنامه‌های رایانه‌ای و پایگاه داده اعمال نمی‌شود -، (۳) در مواردی که نام نویسنده و منبع به وضوح مشخص شده باشد، (۴) هجو، تقلید و کاریکاتور، با در نظر گرفتن کاربرد این ژانر و (۵) اقدامات لازم برای دسترسی به یک پایگاه داده در محدوده استفاده توافقی شده.

در نظام حقوقی ایران در زمینه استثنای وارد بر حقوق انحصاری پدیدآورنده می‌توان به این مصادیق در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان اشاره نمود: (۱) حق نقل قول و استناد به آن‌ها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر مأخذ در حدود متعارف (ماده ۷)؛ (۲) استفاده آموزشی؛ ذکر مأخذ در مورد جزوه‌هایی که معلمان برای تدریس در مؤسسات آموزشی از آن‌ها تهیه و تکثیر می‌کنند الزامی نیست، مشروط بر اینکه جنبه انتفاعی نداشته باشد (تبصره ماده ۷)؛ (۳) نسخه‌برداری کتابخانه‌های عمومی و مؤسسات جمع‌آوری نشریات و مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیر انتفاعی اداره می‌شوند (ماده ۸)؛ (۴) استفاده نهادهای دولتی؛ وزارت اطلاعات و وزارت آموزش و پرورش (مواد ۹ و ۱۰) و (۵) نسخه‌برداری فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیر انتفاعی باشد (ماده ۱۱).

#### ۱۰. واگذاری اثر

توافق‌نامه واگذاری<sup>۱</sup> حق مؤلف یا حق نشر، توافقی است که سبب می‌گردد کپی‌رایت یک

اثر از طریق انتقال<sup>۱</sup> و یا صدور مجوز بهره‌برداری<sup>۲</sup> از مالک حق به شخص دیگر واگذار شود. این دو طریق، از جمله شیوه‌های قانونی رایجی‌اند که برای ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌ها، مجلات، فیلم‌ها، نمایش‌های تلویزیونی، بازی‌های ویدئویی و غیره پیش‌بینی شده است تا اثری را از خالق آن کسب و از آن استفاده نمایند.

موافقت‌نامه‌های واگذاری حق نشر پس از قانون کپی‌رایت در سال ۱۹۷۶ در ایالات متحده آمریکا و قوانین مشابه در سایر کشورها با بازتعریف حق نشر رواج یافته است. در تعریف جدید، حق نشر متعلق به پدیدآورنده از لحظه ایجاد و خلق (به جای انتشار) اثر است. در این امر باید ناشران برای فروش آثار مدّ نظر خود یا دسترسی به آن‌ها، حق نشر را از پدیدآورنده به دست آورند و اظهارات کتبی امضا شده مالک حقوق باید تا واگذاری حق نشر و نسخه‌برداری معتبر تلقی شود (ماده ۲۰۱ قانون کپی‌رایت ایالات متحده). به عبارت دیگر، این حق نشر باید به‌طور خاص (با رعایت تشریفات) به صورت مکتوب واگذار شود تا ناشر بتواند از امتیازات معمول حق نشر و مسئولیت‌های آن بهره‌مند گردد؛ مانند حق اجازه چاپ مجدد، حق مجوز دادن به سایرین جهت استفاده از شکل‌ها یا نمودارها در آثار علمی، و بهره‌مندی از ضمانت اجراهای قانونی در جهت ممانعت از کپی کردن غیر مجاز برای سود تجاری (Moore, 1978: 63-64). اگر ناشر واگذاری و تملک حق نشر را انجام ندهد، کلیه درخواست‌های بعدی برای انتشار کلی یا جزئی از آثار یا حتی برای تهیه نسخه‌های متعدد (کپی) از سوی دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها، باید به تأیید پدیدآورنده یا در صورت اثر سفارشی بودن به تأیید کارفرما برسد. در برخی موارد، این عمل غیر ممکن خواهد بود، زیرا پدیدآورنده یا فوت کرده است یا امکان دسترسی به او ممکن نیست.

مالک کپی‌رایت در یک اثر، به‌طور کلی، اصولاً در وهله اول، خالق یک اثر، یعنی پدیدآورنده است؛ اما طبق مطالب پیشین، همیشه هم به این صورت نیست. برخی از قوانین ملی مقرر می‌دارند در جایی که اثری را پدیدآورنده‌ای که به منظور خلق آن اثر استخدام می‌گردد، ایجاد کند، کارفرما (نه پدیدآورنده) مالک حق نشر در آن اثر است. ماده ۱۵(۱) قانون کپی‌رایت ۲۰۰۳ ژاپن تصریح می‌کند که حق نشر یک کارمند «در حین انجام وظایف خود» به کارفرما تعلق دارد؛ مگر اینکه در قرارداد تصریح شده باشد یا مقررات

1. transfer  
2. licensing



کار یا موارد مشابهی مالک اثری را متعلق به کارمند بدانند که کارمند در زمان ادای وظایف آن را ساخته است (Langworthy, 2004: 13). طبق مطالب مذکور، با این حال، به طور کلی حقوق معنوی به پدیدآورنده یک اثر تعلق دارد، صرف نظر از اینکه چه کسی مالک حقوق مادی است. قوانین بسیاری از کشورها تصریح می کنند که مالک حق اولیه ممکن است کلیه حقوق مادی را در یک اثر به شخص ثالث واگذار کند، اگرچه غالباً حقوق معنوی قابل واگذاری نیست. پدیدآورندگان ممکن است در ازای دریافت حق الزحمه خود، حقوق اقتصادی موجود در آثارشان را به اشخاص حقیقی یا حقوقی که توانایی عرضه آثار را در بازار دارند، واگذار نمایند. این پرداختها اغلب به استفاده بالفعل از آثار بستگی دارد و به آنها حق امتیاز می گویند. همان طور که پیش تر مطرح شد، واگذاری کپی رایت به یکی از این دو شکل صورت می گیرد: انتقال، و صدور مجوز بهره برداری.

در برخی کشورها، از جمله آلمان (ماده ۲۹ قانون کپی رایت و حقوق مربوط<sup>۱</sup> به ۱۹۶۵)، انتقال حق نشر در قوانین پیش بینی نشده و فقط صدور مجوز بهره برداری به رسمیت شناخته شده است. صدور مجوز بدان معناست که مالک حق نشر مالکیت خود را حفظ می کند اما به شخص ثالث نیز اجازه می دهد برخی اقدامات را پیرامون حقوق مادی اثر به طور کلی برای یک دوره زمانی خاص و برای یک هدف خاص انجام دهد. برای مثال، نویسنده رمان ممکن است به یک ناشر مجوز چاپ و توزیع نسخه های مکتوب این رمان را بدهد و در عین حال، وی می تواند مجوز ساخت یک فیلم براساس رمان را اعطا کند. مجوزها ممکن است انحصاری باشند، یعنی مالک حق نشر موافقت کرده است به هیچ شخصی دیگری اجازه انجام اقدامات حتی مجاز را صادر نکند؛ یا غیر انحصاری، یعنی مالک حق ممکن است به اشخاص دیگری نیز مجوز همان اقدامات اجازه داده شده را صادر نماید. صدور مجوز بهره برداری برخلاف وضعیت انتقال، به طور کلی حق اجازه دادن به اشخاص دیگر از سوی مالک حق را برای بهره برداری از حقوق مادی اثر اسقاط نمی کند (Barros & Oberle, 2012: 448). همچنین گفتنی است که حق نشر قابل تقسیم و تجزیه است، بنابراین می توان چندین مالک برای حق مزبور متصور بود. در این صورت اگر یکی از آنها قصد واگذاری حق خویش را داشته باشد مبلغ کمتری نسبت به ارزش کامل اثر دریافت خواهد کرد.

1. act on copyright and related rights

در هر دو نظام حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا، قاعده کلی بر این است که حق نشر در ابتدا به پدیدآورنده اثر واگذار می‌شود. اگرچه همان‌طور که گفته شد در کشورهای دارای نظام کامن‌لا، حق نشر می‌تواند از ابتدا به کارفرما یا شخص یا نهاد دیگری که اثر برای آن‌ها ایجاد شده است، تعلق گیرد (Stoop, 2019: 269). هدف از این دکتترین در نظام کامن‌لا، تسهیل سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از اثر است. با این حال در کشورهای دارای نظام رومی - ژرمنی، غالباً مالکیت حق نشر در اختیار مؤلف اثر است تا زمانی که حق نشر به موجب یک سند کتبی واگذار گردد (Bryer & Simensky, 2001: 300). در نتیجه، برخلاف آنچه غالباً فرض می‌شود، کارفرما یا مستأجر به‌طور خودکار حق نشر را در آثاری که یک کارمند در طول فعالیت شغلی خود ایجاد کرده یا اجیری که صرفاً برای خلق یک اثر به خدمت گرفته شده است، مالک نمی‌گردند. برای مثال، در قانون کپی‌رایت کشور امارات متحده عربی بیان شده است که در صورت نبود انتساب کتبی حق نشر در قراردادهای کار یا قراردادهای پیمانکاری، حق نشر به کارفرما منتقل نمی‌شود و همچنان کلیه حقوق نشر متعلق به پدیدآورنده آن خواهد بود (ماده ۹ قانون کپی‌رایت و حقوق مجاور ۲۰۰۲).

در نظام حقوقی ایران ماده ۵ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، قابل انتقال و واگذار بودن همه یا قسمتی از حقوق مادی پدیدآورنده را پیش‌بینی نموده است؛ اما این انتقال دارای محدودیت‌های زمانی و تصرفی است. منتقل‌الیه حق اعمال کلیه تصرفات را، از جمله اقداماتی که سبب زیان به حق نام و حرمت اثر می‌شود، ندارد؛ (ماده ۱۴، ۱۸ و ۱۹) چرا که در این نوع انتقال‌ها رابطه مالک با اثر انتقال داده شده کاملاً از بین نرفته است و به عبارت دیگر شخصیت پدیدآورنده در اثر تجلی یافته و تأثیر مستمر آن بر اثر اجتناب‌ناپذیر است. همچنین برخلاف حقوق مادی، حقوق معنوی قابل انتقال نیست و قائم به شخص پدیدآورنده اثر است و همچنین محدود به زمان (مشمول مرور زمان نمی‌گردد) و مکان (تفاوت محل اقامت پدیدآورنده، محل انتشار و غیره بی‌تأثیر است) نیست (ماده ۴). همان‌طور که گفته شد پدیدآورنده می‌تواند کلیه یا قسمتی از حقوق مادی خویش را به اشخاص دیگر واگذار نماید. اگر او اقدام به واگذاری کلیه حقوق مادی خود ننماید، انتقال تلقی می‌گردد و اگر اقدام به واگذاری بخشی از حقوق خود نماید، آن را صدور مجوز بهره‌برداری می‌گویند؛ مانند اجازه‌دادن پدیدآورنده به شخصی برای ساخت فیلم از کتاب او و اجازه به شخص دیگری برای ترجمه همان کتاب (ماده ۵). گفتنی است

که حقوق مادی پدیدآورنده قابل انتقال از طریق وصیت و ارث نیز هست (ماده ۱۲)؛ اما در مورد انتقال قهری، پس از فوت پدیدآورنده حقوق معنوی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق دانان معتقدند: «ورثه ادامه دهنده شخصیت متوفی و قائم مقام او در حقوق معنوی پدیدآورنده هستند و وصی در این امر نیز مکلف به حفظ حقوق معنوی پدیدآورنده است؛ بنابراین آنان در مدت حقوق مادی می توانند به عنوان شاکی خصوصی از متجاوز به حقوق معنوی پدیدآورنده شکایت کنند و بعد از انقضای این مدت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نگهبان حقوق معنوی مؤلف و هنرمند و قائم مقام او خواهد بود» (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۶۷). اما عده ای در مقابل بیان داشته اند که «حقوق معنوی ماهیتی مختلط از حقوق مالی و با ارزش و حق غیر مالی و مربوط به شخصیت است ... و مانند سایر حقوق غیر مالی به دیگران انتقال نمی یابد» (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴). به نظر می رسد دیدگاه مقبول تر از دیدگاه دوم باشد، زیرا حمایت از پدیدآورنده را نباید محدود به دوران حیات وی دانست، بلکه حقوق معنوی او پس از فوت نیز از سوی ورثه (قائم مقام) او قابلیت اجرا دارد. همچنین ممکن است هرگونه آسیب به شخصیت پدیدآورنده، پس از فوتش، آسیب به قائم مقام های (ورثه) او باشد و از این رو باید برای آنان حقوقی پیش بینی نموده باشیم. در ماده ۴ نیز حقوق معنوی محدود به مدت زمانی خاص نشده است؛ بنابراین نباید با فوت پدیدآورنده این حقوق از بین رفته باشد.

#### ۱۱. حق اثر آینده

تفاوت عمده دیگر بین سیستم های مذکور در این حوزه واگذاری حق نشرهای آینده است. در کشورهای کامن لا، در مورد اثری که هنوز ایجاد نشده است، هیچ منعی در واگذاری آن از طریق قرارداد وجود ندارد (ماده ۹۱ قانون کپی رایت، طراحی و ثبت اختراعات ۱۹۸۸ انگلستان). در نتیجه، می توان حق نشرهای آینده را که هنوز خلق نشده اند مشمول قواعد حق نشر تلقی کرد. در کشورهای رومی - ژرمنی، به عنوان یک قاعده کلی، توافق نامه ای که به انتقال حق نشر کلیه آثار یا کلیه آثار از یک دسته خاص مربوط است و پدیدآورنده در آینده آن ها را ایجاد خواهد کرد، باطل است. در ماده ۵ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ایران، مقنن صرفاً حقوق مادی آثاری را قابل انتقال می داند که پدیدآورنده آن ها را در حال حاضر ایجاد کرده است؛ اما برخی از کشورهای رومی - ژرمنی مقرراتی را در رابطه با این موضوع که پدیدآورندگان چگونه می توانند حق خود نسبت به

آثار آینده خویش را واگذار نمایند وضع نموده‌اند. در ماده ۱-۱۳۱ قانون مالکیت فکری ۱۹۹۲ فرانسه<sup>۱</sup> آمده است: انتقال کلی آثار آینده فاقد اعتبار است. بدین ترتیب مشخص می‌گردد که انتقال جزئی آثار آینده معتبر خواهد بود. در تأیید این دیدگاه می‌توان به ماده ۴-۱۳۲ اشاره داشت. این ماده چارچوبی در قاعده‌مندسازی انتقال آثار آینده بیان داشته است. به موجب ماده مذکور، بندی از قرارداد- که پدیدآورنده متعهد شود حق چاپ و ترجیح آن را به ناشری برای انتشار آثار آینده خود از دسته‌ای که به‌طور واضح مشخص شده است، اختصاص دهد- قانونی است. این حق برای هر دسته‌ای که به پنج اثر جدید از روز امضای قرارداد انتشار که برای اولین اثر منعقد شده است یا به آثار تولیدشده پدیدآورنده در مدت پنج سال از همان تاریخ محدود می‌شود و قانونی خواهد بود. ناشر باید ظرف سه ماه از تاریخی که پدیدآورنده نسخه نهایی هر اثر را به وی تحویل داده است، از حق تقدیمی که به وی اعطا شده استفاده کند. اگر ناشر دارای حق تقدم، به‌طور متوالی از دو اثر جدید ارسال شده پدیدآورنده از دسته مندرج در قرارداد امتناع ورزد، پدیدآورنده می‌تواند بلافاصله و به‌طور خودکار آزادی خود را در مورد هرگونه اثر آتی که از آن دسته تولید می‌کند، بازیابی کند. با این حال، اگر او از ناشر اول در قبال آثار آینده خود پیش پرداخت دریافت کرده است، ابتدا باید چنین پیش‌پرداخت‌هایی را پس دهد. فرض بر این بود که پدیدآورنده در موضع ضعیف‌تری قرار داشته، نیاز به محافظت در برابر اشاعه‌دهندگان حریص دارد. ژان زی<sup>۲</sup> وزیر آموزش در دولت جبهه ملی فرانسه در اواخر دهه ۱۹۳۰ میلادی، بیان داشت که ما می‌خواهیم از پدیدآورنده در برابر خودش دفاع کنیم. پدیدآورندگان افرادی در مانده، از دنیا بریده و زاهد هستند که قادر به دفاع از خود نبودند (Abbott et al., 2019: 573).

از سوی دیگر، کشورهایی که سیستم حق نشر را پذیرفته‌اند، معمولاً فکر می‌کنند که پدیدآورندگان قادرند که امور خود را مدیریت کنند. پدیدآورندگان، کارگزاران آزاد در بازار کار در نظر گرفته می‌شوند که ارزش کار (آثار) خود را می‌دانند و آن‌ها را تنها به قیمت منصفانه به فروش می‌گذارند؛ اما حتی نظام‌های بازارمحور گاهی به پدیدآورندگان توجه زیادی دارند. در همین راستا قانون کپی‌رایت سال ۱۹۷۶ ایالات متحده آمریکا، به پدیدآورندگان اجازه داشتن شانس دوباره داد؛ به طوری که بعد از ۳۵ سال، آنان می‌توانستند نسبت به شروط (خاتمه انتقال)، مذاکره مجدد داشته باشند، زیرا موقعیت نابرابر

1. intellectual property code  
2. Jean Zay

چانه‌زنی پدیدآورندگان، بدین معناست که ارزش آثار خود را تا زمانی که آثارشان مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، نمی‌دانستند (Baldwin, 2016: 26).

در نهایت می‌توان گفت درحالی که انگیزه قانون فرانسه کمک به پدیدآورندگانی بود که از لحاظ اخلاقی قادر به دنبال کردن و تأمین بهترین منافع خود نبودند و در نتیجه نیازمند کمک دولت بودند، در استدلال امریکایی، پدیدآورندگان صرفاً در موقعیت عینی و ساختاری ضعیفی قرار داشتند؛ اما وضعیت آن‌ها بدتر از ناشر نبود بلکه به سادگی قادر به تحمل قابل پیش‌بینی نبودن بازار بودند (Kastenltieier, 1976: 124).

در نظام حقوقی ایران قانون‌گذار در زمینه واگذاری حق اثر آینده حکمی را مقرر نموده است، اما برخی از حقوق دانان (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۸۹) با استناد به عرف معتقدند که حق نشر آثاری که در آینده خلق می‌شوند در حکم کلی است؛ زیرا پدیدآورنده در شیوه تدوین و طرز تفکر و صورت بخشیدن به آن آزاد است و متعهد بایستی آن را فراهم آورد تا انتقال صورت پذیرد. از این رو براساس این دیدگاه پدیدآورنده می‌تواند، حق نشر اثری را که در آینده پدید می‌آورد به ناشر واگذار نماید.

### بحث و نتیجه‌گیری

از نظر تاریخی، دو رویکرد اساسی برای پدیدآورندگان آثار ادبی - هنری و مالکیت فکری آن‌ها وجود داشته است. رویکرد اول سیستم حق نشر نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رویکرد دوم سیستم حقوق مؤلفان نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی است. معمولاً سیستم حق نشر به پدیدآورندگان امکان کنترل زیادی روی آثارشان اعطا نمی‌کند. این سیستم بر بهره‌برداری کارآمد از آثار، جدایی آن‌ها از کنترل پدیدآورنده توسط توزیع‌کنندگان (مالکان مجوز بهره‌برداری) و در نهایت انتقال مالکیت آن به بخش عمومی تأکید کرده است. در مقابل سیستم حق مؤلف، پدیدآورنده را کانون توجه خود قرار داده‌اند و به آن‌ها اختیارات گسترده و وسیعی نسبت به مالکیت اثر و کنترل آن در ابعاد مختلف مقرر کرده‌اند؛ از این رو این سیستم انتقال مالکیت اثر را به بخش عمومی نادیده گرفته است. با این حال، این دو سیستم کاملاً متفاوت از یکدیگر نبوده و از لحاظ کاربردی نیز تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

پیروی از سیستم حق مؤلف، برخلاف سیستم حق نشر که کشورهای کامن‌لا، از جمله ایالات متحده و انگلستان تابع آن هستند، از طریق مقررات بین‌المللی و مخصوصاً

اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد. هدف از هر دو سیستم حمایت از پدیدآورندگان و ناشران است تا بتوانند در مورد چگونگی استفاده (اعم از مادی یا معنوی) از آثار خلاقانه خود تصمیم‌گیری نمایند. این حقوق پاداشی به دلیل مهارت و خلاقیت آن‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری‌شان در تهیه اثر است. امکان به دست آوردن چنین پاداش‌هایی به نوبه خود، اشخاص را به خلاقیت و نوآوری بیشتری تشویق می‌نماید. از این امر نه تنها پدیدآورندگان و ناشران، بلکه تمامی جامعه سود خواهند برد؛ بدون انگیزه و اطمینان لازم برای سرمایه‌گذاری در آثار خلاقانه، جامعه از مجموعه غنی آثار ادبی، هنری و غیره محروم می‌شود.

از جمله شباهت‌های سیستم‌های حق مؤلف و حق نشر عبارت است از:

۱. محدودیت مدت مقرر شده در زمینه حقوق انحصاری پدیدآورندگان آثار: فراگیر شدن مقررات بین‌المللی مالکیت فکری منجر به این امر شده است که اغلب کشورهای جهان مدت زمان طولانی را جهت محافظت از کپی‌رایت آثار پدیدآورندگان پس از مرگ آن‌ها اختصاص دهند. این مدت در کنوانسیون برن حداقل تا ۵۰ سال مقرر شده است، اما تعدادی از کشورها اعم از کشورهای رومی - ژرمنی و کامن‌لا، از جمله اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا این میزان را تا ۷۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده گسترش داده‌اند.

۲. شناسایی پدیدآورنده اثر: اگرچه مالکیت اولیه آثار پدیدآورندگان را اشخاص حقوقی در سیستم‌های حق مؤلف وارد کرده‌اند، این موضوع هرگز به گستردگی و تساهل سیستم حق نشر نبوده، حالت استثنایی دارد و قوانین کشورهای رومی - ژرمنی تحت موارد مشخصی آن را پیش‌بینی نموده است.

۳. حقوق اقتصادی: در هر دو سیستم با توجه به این موضوع که هدف از تعیین حقوق اقتصادی در آثار خلق شده از سوی پدیدآورندگان حمایت مالی و ایجاد انگیزه در آن‌هاست، در نتیجه مشابه یکدیگرند؛ اما در استثنائات مقرر شده در مورد به حمایت از حقوق اقتصادی پدیدآورنده در برابر سایرین، سیستم حق مؤلف با توجه به آنکه استثنای محدودتری وضع نموده است نسبت به سیستم حق نشر برای پدیدآورندگان مساعدتر است.

۴. مجوز اجباری: اگرچه این نهاد حقوقی با دیدگاه سیستم حق نشر مطابقت بیشتری دارد، اما سیستم حق مؤلف نیز این نهاد را به صورت محدود و استثنایی پذیرفته و در قوانین خود پیش‌بینی نموده است.

۵. استثنا در حقوق انحصاری پدیدآورنده: این موضوع نیز در هر دو سیستم حق مؤلف و حق نشر پیش‌بینی شده است، با این تفاوت که با توجه به رویکرد سیستم حق نشر در رابطه با حوزه منفعت عمومی، این دسته از استثناها در این سیستم گسترده‌تر هستند.
- از جمله تفاوت‌های سیستم‌های حق مؤلف و حق نشر عبارت است از:
۱. نظریات مبنایی: سیستم حق مؤلف به جهت آنکه هدف اولیه‌اش حمایت از پدیدآورنده بوده، فرد محورتر است و همین امر موجب شده است تا به اصول عدالت طبیعی اهمیت ویژه‌ای قائل باشد و پدیدآورنده را حاکم بر حقوق اقتصادی و معنوی اثر خویش دانسته، از بهره‌برداری سایرین از آن حقوق جلوگیری نماید. در مقابل سیستم حق نشر بر رویکرد استدلال اقتصادی تأکید کرده و حوزه رفاه و منفعت عمومی را مبنای عملکرد خویش قرار داده است و به تبع همین دیدگاه محدودیت‌هایی برای حقوق انحصاری پدیدآورنده پیش‌بینی نموده است.
  ۲. اصالت اثر: در کشورهای تابع نظام‌های رومی - ژرمنی و کامن‌لا مفهوم اصالت متفاوت بوده و تحت تأثیر دیدگاه‌های حاکم بر سیستم‌های حق مؤلف و حق نشر است. سیستم حق مؤلف در تعریف اصالت به ارتباط شخصیت مؤلف و اثر تأکید داشته در حالی که سیستم حق نشر بر تلاش و خلاقیت پدیدآورنده نظر داشته است.
  ۳. تشریفات حمایت از اثر: سیستم‌های حق مؤلف اصولاً نسبت به شرایطی که برای حمایت قانونی از آثار لازم است سهل‌گیرتر از سیستم حق نشر بوده و صرف خلق و ایجاد اثر را کافی می‌دانند؛ اما در مقابل سیستم حق نشر اثری را لایق حمایت قانونی می‌داند که پدیدآورنده آن در این مسیر تلاش‌هایی در جهت بهره‌مندی از حمایت قانونی نموده باشد.
  ۴. حقوق معنوی: برخلاف سیستم‌های حق نشر که حقوق معنوی محدود بوده و کمتر به آن پرداخته شده است، در سیستم‌های حق مؤلف حقوق معنوی اثر را جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت پدیدآورنده تلقی کرده‌اند.
  ۵. واگذاری اثر: سیستم حق نشر که مبنای آن براساس منافع اقتصادی افراد پایه‌ریزی شده است در زمینه واگذاری اثر رویه ساده‌تری را پیش‌بینی نموده است و افراد می‌توانند به طرق مختلفی از جمله انتقال، صدور مجوز بهره‌برداری و یا قراردادهای استخدامی و سفارش اثر مالکیت اثر خود را به اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی واگذار نمایند. اما در سیستم حق مؤلف واگذاری به این اندازه ساده و گسترده نیست و عموماً با محدودیت‌هایی در کشورهای رومی - ژرمنی روبه‌روست.

۶. حق اثر آینده: در سیستم‌های حق نشر واگذاری حقوق آثار آینده که ایجاد نشده‌اند مجاز بوده و منعی برای آن‌ها پیش‌بینی نشده است؛ اما سیستم‌های حق مؤلف انتقال آثار آینده را غالباً باطل دانسته و در برخی موارد تحت شرایط و قواعد خاصی به طور محدود آن را مجاز شناخته است.

در پایان باید گفت نظام‌های مربوط به حق نشر و حق مؤلف در حقیقت از لحاظ تاریخی متفاوت هستند، اما در اختلافات امروز آن‌ها نباید اغراق شود. در حقیقت، قوانین حمایت از حقوق مؤلفان از نظر ماهیت اقتصادی تر شده است، درحالی‌که قوانین حمایت از حق نشر، حقوق معنوی پدیدآورندگان را نیز در نظر گرفته است.

#### منابع

- اندرز، داوود، احمدزاده، ابوالفضل و زهرا اکبری‌ان (۱۳۹۷). «آثار مورد حمایت در پیش‌نویس لایحه حمایت از حقوق ادبی و هنری ایران و کنوانسیون برن»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره دهم، شماره اول، ص ۱-۳۶.
- حسن پور، محمد مهدی (۱۳۸۴). «حقوق پدیدآورنده برنامه رایانه‌ای مطالعه تطبیقی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۰ و ۵۱، ص ۳۴۷-۳۸۲.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۳). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*، چاپ سوم، تهران: سمت.
- السنهوری، عبدالرزاق (بی‌تا). *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، قاهره: دارالنهضة العربیه.
- صادقی، محمود و منصور خاکپور (۱۳۸۶). «موجبات اعطای مجوز اجباری بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۱، شماره ۴، ص ۱۳۲-۱۶۲.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۴). *اشخاص و اموال*، چاپ بیستم، تهران: انتشارات میزان.
- عباسی، اسماعیل و مهدی نوده (۱۳۹۳). «بیع اموال فکری»، *تحقیقات حقوقی آزاد*، شماره ۲۳، ۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *اموال و مالکیت*، چاپ چهل و سوم، تهران: انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). *قواعد عمومی قراردادها*، جلد دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- گریاود (۱۳۸۰). *القبای حقوق پدیدآورنده (کیبی رایت)*، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران: خانه کتاب.
- Abbott, Frederick M., Cottier, Thomas & Francis Gurry (2019). *International Intellectual Property in an Integrated World Economy*, New York: Wolters Kluwer Law & Business.
- Angelopoulos, Christina (2012). "The myth of european term harmonisation: 27 Public domains for the 27 member states", *International Review of Intellectual Property and Competition Law*, Vol 43, No 5, pp. 567-594.
- Aufderheide, Patricia & Peter Jaszi (2011). *Reclaiming Fair Use: How to Put Balance Back in Copyright*, Chicago: University of Chicago Press.
- Baldwin, Peter (2016). *The Copyright Wars: Three Centuries of Trans-Atlantic Battle*, Princeton: Princeton University Press.
- Barros, Alistair, Daniel Oberle (2012). *Handbook of Service Description: USDL and Its Methods*, New York: Springer Science & Business Media.



- Bryer, Lanning & Melvin Seminsky (2001). *Intellectual Property Assets in Mergers and Acquisitions*, Hoboken: Wiley.
- Caddick, Nicholas & Gwilym Harbottle (2019). *Copinger & Skone James on Copyright*, Vol 1, London: Sweet & Maxwell.
- Council of the European Union (2000). "WIPO copyright treaty and the WIPO Performances and phonograms treaty (2000/278/EC)", *Official Journal of the European Communities*, L089 of 2000-04-11.
- Du Bois, Mikhalien (2018). "Justificatory theories for intellectual property viewed through the constitutional prism", *Potchefstroom Electronic Law Journal*, Volume 21, pp. 1-38.
- Elprocus, n.pn (2021). "Different Types of Integrated Circuits | IC Types," Available at <https://www.elprocus.com/different-types-of-integrated-circuits> retrieved on February 12, 2021.
- Encyclopædia Britannica, Fisher, William Weston (2021). "Copyright", Available at <https://www.britannica.com/topic/copyright> retrieved on February 12, 2021.
- EUIPO, n.pn (2020). "How did these 15 Questions Come About?", Available at <https://euipo.europa.eu/ohimportal/en/web/observatory/faqs-on-copyright-hu#1> retrieved on February 12, 2021.
- Françon, André (1991). "Authors' rights beyond frontiers: A comparison of civil law and common law conceptions", *Revue Internationale du Droit d'auteur (RIDA)*, 149-D2, pp. 16-26.
- Gendreau, Ysolde (1994). *The Criterion of Fixation in Copyright Law*, Association française pour la diffusion du droit d'auteur national et international.
- Gendreau, Ysolde (2009). *An Emerging Intellectual Property Paradigm: Perspectives from Canada*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing.
- Ginsburg, Jane C. (2003). "The concept of authorship in comparative copyright law", *DePaul Law Review*, Vol 52, pp. 1063-1092.
- Ginsburg, Jane C. (2006). "Une chose publique"? The author's domain and the public domain in early british, french and US copyright law", *Cambridge Law Journal*, Vol 65, pp. 1-31.
- Hoppe-Jänisch, Daniel (2015). *IP Assignment Clauses in International Employment Contracts*, London: Lexology.
- Jenkins, Neil & Georgina Straughan (2020). "The relevance of compulsory licensing in the fight against the COVID-19 pandemic: Patent laws and regulations 2021", Available at <https://iclg.com/practice-areas/patents-laws-and-regulations/1-the-relevance-of-compulsory-licensing-in-the-fight-against-the-covid-19-pandemic> retrieved on February 12, 2021.
- Kastenl'teier (1976). *Copyright Law Revision, House of Representatives*, Report 94-1476.
- Langworthy, Elisabeth A. (2004). "Analysis of international work-for-hire laws", *Sutherland Asbill & Brennan LLP*, Vol September, pp. 1-14.
- Leaffer, Marshall (2001). "The uncertain future of fair use in a global information marketplace", *Ohio State Law Journal*, Vol. 62, No. 2, pp. 849-867.
- Leaffer, Marshall A. (2005). *Understanding Copyright Law*, New York: LexisNexis.
- Lee, Edward (2012). "Digital originality", *Vanderbilt Journal of Entertainment & Technology Law*, Vol. 14, No. 4, pp. 919-957.
- Lipszyc, Delia (n.d). *Copyright vs. Author's Right (Droit D'auteur) with Regard to Audiovisual Works*, n.p: n.pn.

- McJohn, Stephen M. (2006). *Copyright: Examples and Explanations*, New York: Aspen Publishers Online.
- Moore, Alice E. (1978). "Transfer of copyright", *Journal of Applied Crystallography*, Vol 11, pp. 63-64.
- Ochoa, Tyler T. (2010). *Time: Limits and Constraints (Chapter Six. Limits On The Duration Of Copyright: Theories And Practice)*, Leiden: Brill.
- Oliar, Dotan (2006). "Making sense of the intellectual property clause: Promotion of progress as a limitation on congress's intellectual property power", *Georgetown Law Journal*, Vol 94, pp. 1771-1845.
- Piotraut, Jean-Luc (2006). "An authors' rights-based copyright law: The fairness and morality of french and american law vompared", *Cardozo Arts & Entertainment*, Vol 24, pp. 549-616.
- Rathod, Sandeep K. (2017). "Compulsory licences on pharmaceutical patents in India", *Journal of Generic Medicines*, Vol 13(3): 108-113.
- Reichman, Jerome H. (2010). "Compulsory licensing of patented pharmaceutical inventions: evaluating the options", *J Law Med Ethics*, 37(2): 247-263.
- Ricketson, Sam (1992). "The copyright term", *International Review of Industrial Property and Copyright Law*, Vol 23, pp. 754-756.
- Shareef, Vian A. (2018). "The meaning of originality in architecture and how can it be measured", (*JPMNT*) *Journal of Process Management – New Technologies International*, Vol. 6, No 3, pp. 1-12.
- Shuster, Todd (1992). "Originality in computer programs and expert systems", *Global Business & Development Law Journal*, Vol. 5, No. 1, pp. 1-97.
- Stallard, Hayley (1998). "The right of publicity in the united kingdom", *Loyola of Los Angeles Entertainment Lawjournal*, Vol 18, pp. 565-588.
- Stewart, Stephen M. (1989). *International Copyright and Neighbouring Rights*, Oxford: Butterworths.
- Stoop, Philip. (2019). *Commercial and Economic Law in South Africa*, Alphen aan den Rijn: Kluwer Law International B.V.
- UKEssays (2018). "The theories of intellectual property philosophy essay", Available at <https://www.ukessays.com/essays/philosophy/the-theories-of-intellectual-property-philosophy-essay.php?vref=1> retrieved on February 12, 2021.
- United States Copyright Office. (2012). *Works Made for Hire*, Washington: U.S. government printing office.
- United States Copyright Office. (2019). *Authors, Attribution, and Integrity: Examining Moral Rights in The United States*, Washington: U.S., Copyright Office.
- Vaughn, Stephen L. (2007). *Encyclopedia of American Journalism*, New York: Routledge.
- Vaver, David (1999). "Moral rights yesterday today and tomorrow", *International Journal of Law and Information Technology*, Volume 7, Issue 3, pp. 270-278.
- World Intellectual Property Organization. (2016). *Understanding Copyright and Related Rights*, Geneva: WIPO Publication.
- Zhang, Liguu (2013). "Compulsory license in China", *Tech MoniTor: Technology Transfer*, pp. 39-42.